

تحلیل ژنوم‌های ژئوپلیتیکی اثرگذار ایران و عربستان سعودی بر درگیری‌های منطقه‌ای دو کشور (مطالعه موردی سه کشور: یمن، سوریه و بحرین)

* فرزاد احمدی دوازده امامی^۱، زهرا احمدی پور^۲

۱. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۲۰ بهمن ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۱۵ مرداد ۱۴۰۲
تاریخ انتشار: ۱۵ اسفند ۱۴۰۲

چکیده

ژنوم‌های ژئوپلیتیکی پدیده‌های جغرافیایی مربوط به واحدهای سیاسی مستقل دارای حاکمیت یا همان کشورها هستند که تفکر راهبردی و سیاست داخلی و خارجی آن را می‌سازند. این ژنوم‌ها که مختص به هر کشور هستند، تحلیل سیاست خارجی و شیوه کنش بازیگران در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی را پیش‌بینی‌پذیر می‌کنند. از آنجا که ایران و عربستان سعودی دو بازیگر اصلی منطقه جنوب غربی آسیا هستند، شناخت ژنوم‌های ژئوپلیتیکی آنان برای تحلیل سیاست خارجی و کدهای ژئوپلیتیکی آنان اهمیت فراوان دارد. در این پژوهش در پی شناسایی ژنوم‌های تأثیرگذار دو کشور هستیم تا ضمن پی‌بردن به شیوه تأثیر آن‌ها در شکل‌دادن به سیاست خارجی آن‌ها، نقش این ژنوم‌ها در مهم‌ترین فضاها درگیری میان ایران و عربستان را تشریح کنیم. فرضیه پژوهش بدین شکل مطرح می‌شود که به‌نظر می‌رسد ژنوم‌های ژئوپلیتیکی متفاوت ایران و عربستان زمینه‌ساز منازعات دو کشور در سطح منطقه هستند. روش پژوهش نیز توصیفی تحلیلی و بر پایه اطلاعات و منابع کتابخانه‌ای است. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد میان ژنوم‌های دو کشور و توسعه رقابت و منازعات دو کشور رابطه مستقیمی برقرار است.

کلیدواژه‌ها:

ایران، ژنوم ژئوپلیتیکی،
عربستان، کد ژئوپلیتیکی
منازعه.

* نویسنده مسئول:

فرزاد احمدی دوازده امامی
نشانی:
دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی،
دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت
مدرس، تهران، ایران
پست الکترونیکی:
a.farzad@modares.ac.ir

استناد به این مقاله:

احمدی دوازده امامی، فرزاد و احمدی پور زهرا. (۱۴۰۲). تحلیل ژنوم‌های ژئوپلیتیکی اثرگذار ایران و عربستان سعودی بر درگیری‌های منطقه‌ای دو کشور (مطالعه موردی سه کشور: یمن، سوریه و بحرین). مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۵(۴)، ۲۶-۱.

۱. مقدمه

ژن، ژنوم و نگاشت ژنی مفاهیمی هستند که ریشه در علوم زیستی دارند (GHR, 2015). کشورها طبق ژنگان ژنوپلیتیکی خود ویژگی‌هایی دارند که در رفتار سیاست خارجی آن‌ها تجلی می‌یابد. تحلیل این ویژگی‌ها به فهم و پیش‌بینی کنش بازیگران ملی در نظام بین‌الملل کمک خواهد کرد (shiravand & heidari, 2016: 95). نقشه ژنگان سیاست جغرافیایی یک کشور به‌عنوان کدهای ژنوپلیتیک از سوی کشورهای رقیب برآورد می‌شود و برنامه‌های ذهنی سیاست خارجی آن کشور در مورد کشور هدف را هدایت می‌کنند (khalili, 2013: 43). از آنجا که دولت‌ها کنشگران اصلی نظام بین‌الملل محسوب می‌شوند، باید توجه داشت که سیاست خارجی آن‌ها با ایده‌ها، آرمان‌ها و ترس‌های‌شان آغاز می‌شود. بنابراین باید گفت عامل ژنوپلیتیک و جغرافیا، داده‌های سیاست خارجی دولت‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (qavam, 2010: 92). ژنوپلیتیک پیش از هر چیز در رابطه با ادراک‌ها و تصورات جغرافیایی شکل‌دهنده سیاست خارجی است (pishgahi fard & mousavi, 2010: 96). از این‌رو شناخت ژنوم‌های ژنوپلیتیکی کشورها به‌واسطه قدرت مانور و بازیگری آنان در سطوح منطقه‌ای و جهانی، نقش عوامل جغرافیایی در تبیین سیاست خارجی، اهداف و منافع ملی اهمیت دارد. شناخت این ژنوم‌ها منجر به کسب آگاهی از عناصر جغرافیایی و ژنوپلیتیکی سایر واحدهای سیاسی در ابعاد ساختاری و کارکردی شده و در شکل‌دهی به علائق ژنوپلیتیکی و شناخت چالش‌های ژنوپلیتیکی برای رهبران و تصمیم‌سازان ملی مؤثر خواهد بود.

روابط ایران و عربستان به‌عنوان دو کشور مهم در سطح خاور میانه، روابطی همراه با فرازونشیب فراوان بوده و دو دوره همگرایی و واگرایی را تجربه کرده است (Khalili & others, 2023: 57). همکاری همراه با رقابت دو کشور پیش از انقلاب اسلامی سال 1357، به درگیری و تنش تبدیل شده است. این منازعه فضای منطقه را متأثر از خود ساخته است. علل مختلفی زمینه‌ساز این درگیری‌ها بوده‌اند. به‌طور کلی درگیری نوعی از رقابت است که در آن طرفین در عین تلاش برای دستیابی به منابع کمیاب تلاش می‌کنند با تقویت موضع و ارتقای موقعیت و منزل خود، دیگری را از رسیدن به هدف مطلوب باز دارد (ghorbani nejad & others, 2014: 268). بر این مبنا منازعات میان ایران و عربستان سعودی برخاسته از ژنوم‌های ژنوپلیتیکی متفاوت آنان بوده که این زبربناهای هویتی بر شکل‌گیری سیاست خارجی تقابلی آنان اثرگذار بوده است. ژنوم‌های مطرح در مورد دو کشور بیشتر در حوزه ژنوپلیتیک ظهور و بروز داشته و همین عامل در استمرار بلندمدت منازعه میان

آنان اثرگذار بوده است. از سویی، به واسطه پیوند میان این ژنوم‌ها با پاره‌ای از ویژگی‌های ذاتی کشورهای منطقه همچون سوریه، بحرین و یمن دامنه رقابت دو کشور به این فضاها کشیده شده و هر طرف تلاش می‌کنند با تقویت عناصر قدرت افزای خود و تقویت ژنوم‌های منفی رقیب، در مناسبات منطقه‌ای دست بالا را داشته باشد.

در مقاله حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش هستیم که ژنوم‌های ژئوپلیتیکی ایران و عربستان چه نقشی در گسترش درگیری‌های میان دو کشور در سطح منطقه دارند؟ فرضیه پژوهش نیز این‌گونه طرح می‌شود که به نظر می‌رسد ژنوم‌های ژئوپلیتیکی متفاوت ایران و عربستان زمینه‌ساز و استمراردهنده درگیری‌های دو کشور در سطح منطقه و به‌ویژه فضای ملی سه کشور سوریه، یمن و بحرین هستند. روش‌شناسی پژوهش به صورت تحلیلی توصیفی است. برای گردآوری اطلاعات و منابع از روش کتابخانه‌ای مبتنی بر کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و داده‌های اینترنتی استفاده شده است. در این روش ابتدا عناصر مرتبط ژئوپلیتیکی مرتبط و اثرگذار بر سیاست خارجی و کدهای ژئوپلیتیکی ایران و عربستان شناسایی را شناسایی کردیم؛ سپس نقش این عناصر را در گسترش درگیری‌های منطقه‌ای آنان واکاوی می‌کنیم.

۲. پیشینه پژوهش

صارم شیرواند و محدثه حیدری (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی رابطه میان ژنگان و کد ژئوپلیتیک در سیاست خارجی عربستان سعودی» به این نتیجه رسیده‌اند که سیاست خارجی عربستان سعودی در مقابل سایر بازیگران خاورمیانه از تقابل کد ژنوم‌ها تأثیر پذیرفته است. عربستان با به‌کارگیری ظرفیت‌ها و ژنوم‌ها خود برای تفوق در سطح منطقه و کنارزدن رقبای خود تلاش می‌کنند که از آن میان ایران به‌عنوان رقیبی بالقوه مطرح است. از این رو عربستان برای خاموش کردن ژن‌های منفی خود و تلاش در جهت فعال کردن ژنوم‌های کاهنده قدرت رقبای تلاش می‌کند. محمد جواد فتحی، مجتبی عبدخدایی و صارم شیرواند (۱۳۹۷)، در مقاله «پیوند کد و ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی» به این نتیجه رسیده‌اند که هر دو کشور با استفاده از ظرفیت‌ها و ژن‌های جغرافیایی خود در پی کنارزدن رقبای منطقه‌ای هستند. ایران و عربستان از ژن‌های خود برای داشتن یک سیاست خارجی قوی بهره می‌برند و می‌خواهند ژن‌های منفی رقیب را در منطقه فعال کند و ژن‌های منفی خود را غیر فعال کرده و ژن‌های مثبت را فعال کند تا رقبای براساس ژنگان منفی نتوانند سیاست خارجی و راهبرد خود را علیه این بازیگران طراحی کنند.

پژوهش حاضر از این نظر بدیع و نوآوری دارد که پیوند میان ژنوم‌های ژئوپلیتیکی و ارتباط میان این ژنوم‌ها با کدهای ژئوپلیتیکی به کارگرفته شده ایران و عربستان سعودی را در ارتباط با درگیری‌های منطقه‌ای دوکشور تحلیل و بررسی همه‌جانبه کرده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

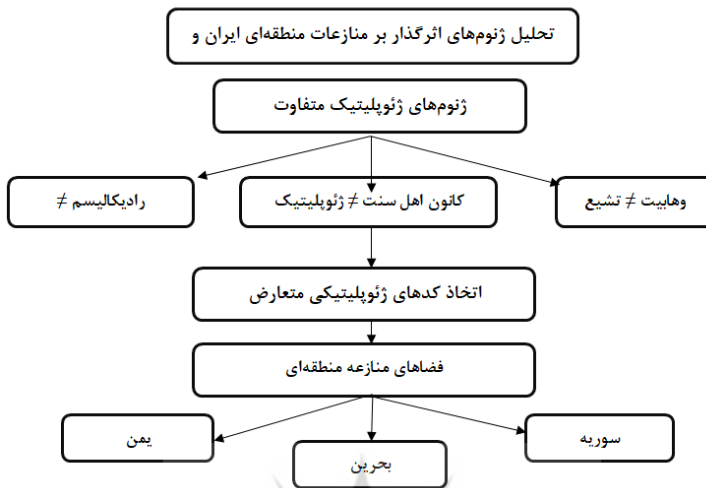
ژنوم ژئوپلیتیکی: ژنوم ژئوپلیتیکی نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تأثیر بسزایی در شکل دادن رفتارهای نظام سیاسی کشورها در نظام بین‌الملل دارد (khalili & oth-ers, 2013: 130). ژنوم ژئوپلیتیک نقشه ژنگان یک کشور به عنوان کدهای ژئوپلیتیک از سوی کشورهای رقیب و همسایه قلمداد شده و برنامه‌های تصویری و ذهنی سیاست خارجی یک کشور در مقابل کشور هدف را هدایت می‌کند (khalili & others, 2013: 40). رویکردهای فعال و خاموش کردن در ژنگان سیاست خارجی کشورها وجود دارد. ژنوم‌ها در شرایطی همچون دیپلماسی، کارایی، فضای راهبرد حاکم بر منطقه و نوع نظام‌های سیاسی با رویکردهای دوگانه ژئوپلیتیک یا ژئوپاسیفیک فعال می‌شوند (fathi & others, 2018: 127). ژنوم‌های از میان‌برنده قدرت ملی را می‌توان با شناسایی دقیق آن‌ها خاموش یا خنثی کرد تا ضمن توجه به ژنوم‌های فزاینده قدرت ملی بر وزن ژئوپلیتیکی یک واحد سیاسی افزود که از این رهگذر به توسعه حوزه نفوذ و گسترش مرزهای ژئوپلیتیکی آن واحد سیاسی منجر شود. بر این اساس جغرافیا اساس هرگونه راهبرد به شمار می‌رود. بدین معنا که عوامل کالبدی و کمابیش ایستا و پایدار و عوامل ناپایدار و پویای جغرافیایی همانند در قالب موقعیت مطلق (دریایی، کرانه‌ای، راهبردی، آب‌وهوا، ویژگی‌های آفندی و پدافندی) و موقعیت نسبی (جمعیت، فرهنگ، اقتصاد، منابع طبیعی، منابع غذایی و کانی‌ها) بر نگارش و کاربست هرگونه راهبرد به شدت اثر می‌گذارند (hafeznia & kavianirad, 2017: 266).

کد ژئوپلیتیکی: کد ژئوپلیتیکی عبارت است از دستور کار عملیات سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند (taylor, 1994: 80). کدهای ژئوپلیتیکی مجموعه‌ای از فرضیه‌های راهبردی هستند که یک کشور براساس آن به تنظیم سیاست خارجی خود با دیگر کشورها می‌پردازد (pascal, 2004: 4). فلینت شیوه‌ای را که یک کشور در جهان با آن به خود جهت می‌دهد کد ژئوپلیتیک می‌نامد (flint, 2006: 55). کدهای ژئوپلیتیک مانند گفتمان‌ها پایدار نبوده و دائم از دال به مدلول در حال حرکت هستند، اما در عوض به‌طور مستمر در پاسخ به رویدادهای در حال تحول کارگزاران تأثیرگذار هستند

(ray, 2007:100). شایان توجه است که کدهای ژئوپلیتیکی در سه سطح و مقیاس محلی، منطقه‌ای و جهانی تعیین می‌شوند. بعد محلی ویژه همه کشورهای است، کدهای منطقه‌ای ویژه کشورهای است که قدرت و منابع لازم برای اثرگذاری بر روندهای منطقه‌ای را دارند و کدهای جهانی ویژه آن کشورهای است که منافع و اهداف خود را در سطح کروی تعریف می‌کنند و توانایی اثرگذاری در این مقیاس را دارند.

پیوند میان ژنوم و کد ژئوپلیتیکی: ژنوم‌های ژئوپلیتیک یک کشور از سوی کشورهای رقیب به‌عنوان کدهای ژئوپلیتیکی تلقی شده، از تقابل این ژنوم‌ها و کدها فضایی راهبردی براساس تعامل یا تضاد بر یک منطقه جغرافیایی حاکم می‌شود؛ بازیگران سیاسی و کشورها تحت تأثیر این فضای راهبردی کنش‌ها و رفتارهای ژئوپلیتیک خاصی مانند جنگ، درگیری، همگرایی، واگرایی و رقابت از خود بروز می‌دهند (khalili & others, 2013: 18). کدهای ژئوپلیتیکی هر کشور نیز همانند ژنگان آن کشور ویژه همان واحد سیاسی هستند و می‌توانند در همگرایی یا واگرایی با سایر واحدها عمل کنند. یک سیاست خارجی مبتنی بر واقعیت و در راستای تأمین منافع ملی نتیجه شناخت صحیح ژنوم‌های خودی و درک و شناخت صحیح کدهای به‌کارگرفته‌شده از سوی رقبای است. شناخت ژنوم‌های ژئوپلیتیک باعث می‌شود که سیاست‌مداران ارتباطی منطقی بین کدهای ژئوپلیتیک و مکمل‌های فضایی و جغرافیایی مفروض در ماورای مرزها که به‌لحاظ ساختاری با ژنوم‌های ژئوپلیتیک داخلی تجانس داشته و به‌لحاظ کارکردی برطرف‌کننده کاستی‌های کشور و تسهیل‌کننده توسعه دامنه نفوذ در عرصه سیاست خارجی هستند برقرار کنند (khalili & others (2), 2013: 45).

البته کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیکی تفاوت‌هایی نیز دارند از جمله: ۱. کد ژئوپلیتیکی همان ژنوم‌های کشور رقیب هستند؛ ۲. ژنوم ژئوپلیتیک واقعیت‌های جغرافیایی موجود در محدوده مرزهای سیاسی کشور هستند؛ ۳. ژنوم ژئوپلیتیک در حوزه مباحث جغرافیای سیاسی است؛ ۴. کد ژئوپلیتیک در حوزه مباحث ژئوپلیتیک است؛ ۵. کد ژئوپلیتیک در راستای توسعه نفوذ سیاسی و در حوزه سیاست خارجی به‌کار می‌رود، اما ژنوم ژئوپلیتیکی در حوزه سیاست داخلی و در راستای جلب رضایت ملت به‌کار گرفته می‌شود (khalili & others (1), 2013: 41). به‌طور کلی دانش ژئوپلیتیک می‌تواند با شناخت ژنوم‌های هر کشور به ارتباط معنا دار و مستقیم سیاست داخلی و خارجی آن پی برده و زمینه‌ها و بستر اختلافات، تنش‌ها و درگیری‌ها در سطوح و ابعاد مختلف را کشف کرده و برای حل آن‌ها راهکار ارائه دهد.



نمودار ۱. مدل مفهومی پژوهش source: authors

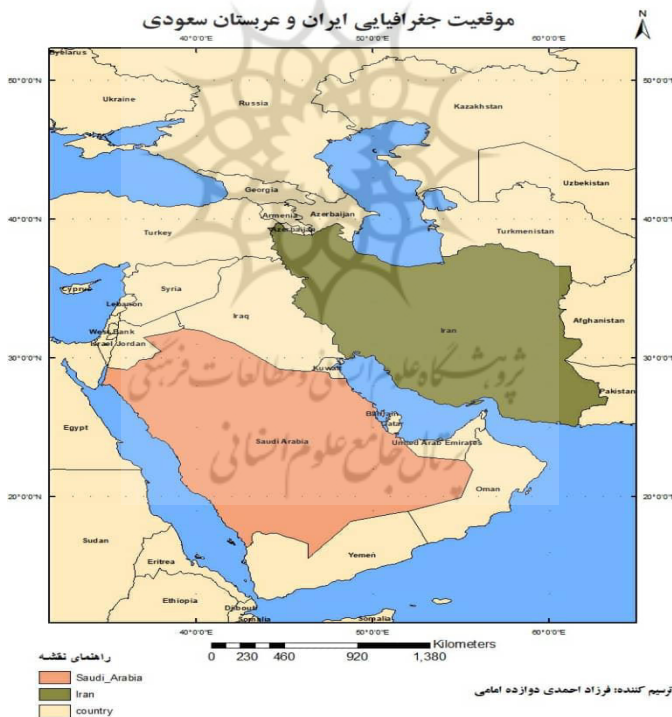
۴. محیط‌شناسی پژوهش

الف) عربستان سعودی

سرزمین عربستان تاریخی به درازای تاریخ دیگر سرزمین‌های عربی خلیج فارس دارد. وضعیت موقعیت جغرافیایی این کشور که در بین خلیج فارس و دریای سرخ محصور است مزیت ترانزیتی قابل قبولی برای این کشور دارد. این کشور حکم رهبر برای مجموعه شورای همکاری خلیج فارس دارد. الگوی ملت در عربستان سعودی براساس اکثریت قومی عرب، زبان عربی و اکثریت دینی مسلمان وهابی و فرهنگ خاص آن شکل گرفته است. این کشور در اداره ساختار حکومتی خود از مدل پادشاهی موروثی بهره گرفته است. در این الگو ساختارها و نهادهای مدنی و دموکراتیک، فضایی برای عرض اندام پیدا نکرده و زیر فشار هسته سخت قدرت قرار دارند. عضویت و نفوذ در سازمان‌های منطقه‌ای و جهانی اهمیت سیاسی عربستان را افزایش داده است. عربستان به دلیل جایگاه دینی، اقتصادی و سیاسی همچنین قدرت مالی خود در بیشتر سازمان‌های بین‌المللی، عربی و اسلامی نفوذ و تأثیر دارد (ahmadi, 2022: 37-39).

ب) ایران

ایران قدیمی‌ترین کشور منطقه خلیج فارس است که پیشینه تمدن و حکومت در آن به قرن‌ها پیش از اسلام می‌رسد (hafeznia & rabiei, 2013: 115). به لحاظ موقعیت ارتباطی، فضای جغرافیایی ایران در محور شمال جنوب دو عرصه جغرافیایی آب و خشکی را به هم پیوند می‌دهد و در مسیر عمومی ارتباط قاره‌های اروپا، آسیا و اقیانوسیه قرار دارد. بیشتر مردم ایران پیرو دین اسلام هستند. در قانون اساسی این کشور، مذهب رسمی مردم ایران شیعه اثناعشری شناخته شده است. نقش مذهب شیعه در فرایند ملت‌سازی در ایران پررنگ بوده است (hafeznia, 2016: 15). نظام حکومتی مستقر در ایران براساس قانون اساسی این کشور بر پایه جمهوریت و اسلام‌گرایی بنا نهاده شده که رهبری آن بر عهده ولی فقیه است.



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی ایران و عربستان source: authors

۵. یافته‌های پژوهش

الف) ژنوم‌های ژئوپلیتیکی عربستان سعودی

وهابیت: برجسته‌کردن وهابیت به‌عنوان یک آرمان و علت وجودی در کشور عربستان و ضدیت بردارنده آن با اسلام شیعی، یکی از مهم‌ترین عواملی است که سنگینی خود را بر روابط این کشور با ایران انداخته است. وهابیان با هرگونه گرایش عقلی، فلسفی و منطقی و تصوف و عرفان و تأویل و تفسیر قرآن مخالف هستند و آن را بدعت می‌دانند (britannica, 2012). ازدواج این دو (حکومت و مذهب) برایشان منفعی داشت. نخست، محمد بن عبدالوهاب شمشیر ابن سعود را ابزار کارایی برای زدودن خرافات و بدعت‌ها از اسلام می‌دانست و ابن سعود هم به نیروی دین برای گسترش قدرت خود و تحریک غیرت اعراب بادیه‌نشین نیاز داشت. البته در پاره‌ای از موارد میان دولت و دین در عربستان شکاف نیز وجود داشته است، همچون حضور نیروهای آمریکایی به‌عنوان کفار به خاک عربستان سعودی. البته این رابطه به‌واسطه سه عامل بنیادین تاکنون دچار گسست نشده: الف) بعد مشروعیت‌بخشی در جهت حفظ قدرت و توجیه اقدامات خویش؛ ب) بعد منفعت‌بخش: آل شیخ در ازای خدماتی به آل سعود سهمی از قدرت و امتیازات متعددی را به‌دست آورده است، همچون کنترل وزارت آموزش و پلیس مذهبی؛ ج) بعد انحصاربخش: در این معنا دو قدرت دینی و سیاسی که در اتحاد و توافق با یکدیگر عربستان را اداره می‌کنند از قدرت و نفوذ یکدیگر در جهت کنترل انحصاری دولت و نهاد دینی بهره می‌گیرند (ahmadian, 2012: 98).

سیستم سیاسی شکننده: تناقضات ساختار سیاسی که در رأس آن افراد یک قبیله خاص مناصب حکومتی را در اختیار دارند و رقابتی که می‌تواند سرانجام برای دستیابی به قدرت میان شاهزادگان ایجاد شود یکی از چالش‌های مهم آل سعود است (hafeznia & rabiei, 2013: 156). دولت سعودی تاکنون مشروعیت خود را با ابزارهای مختلفی همچون قبیله‌گرایی، اسلام، گسترش دیوان‌سالاری دولتی و تلاش برای برقراری یک نظام رفاهی، تطمیع و کمک‌های گوناگون توجیه کرده است. اما در هزاره سوم این موارد نمی‌تواند تمام مطالبات مردم این کشور را پاسخ‌گو باشد و تعریف خواست‌های جدید و همچنین بازتعریف این مطالبات مانعی بر سر راه بنیادهای مشروعیت‌یابی حکومت عربستان به وجود آورده است (nowroozi & others, 2003: 217)، علاوه بر این وجود یک حکومت مذهبی مبتنی بر اندیشه وهابیت و سنتی بودن

پایه‌های اقتدار در دنیای متحول و جهانی شده، مشروعیت نظام سیاسی عربستان را با چالشی پایدار مواجه کرده است (Rezvani far, 2013: 159).

اقلیت‌های مذهبی: شیعیان عربستان در این کشور از شرایط نامناسب و رقت‌انگیز رنج می‌برند. آن‌ها شانس کمی برای کسب منزلت‌های اجتماعی و موقعیت‌های اقتصادی دارند و از منابع درآمدی ارزشمندی که در استان احساء وجود دارد بی‌بهره ماندند (goldberg & rafiei, 2010: 458). شیعیان معتقدند که تقسیم ناعادلانه بودجه کشور به شکل تبعیض‌آمیزی آنان را در مضیقه قرار داده و از حقوق ابتدایی شهروندی خود محروم ساخته است (sadeghi, 2017: 327). در کل عمده متفکرین شیعه نسبت به استفاده سیاسی از فرقه‌گرایی انتقاد دارند. از نظر آنان این رویکرد، ابزاری در دست دولت است که حتی برای شهروندان اهل سنت نیز مضر است. یکی از مهم‌ترین استدلال‌های آن‌ها برای اثبات سیاسی بودن فرقه‌گرایی به موضوع ایران مربوط می‌شود. بسیاری از شیعیان بیان می‌کنند که چرا حکومت فقط بعد از انقلاب سال 1979 شیعیان را به ارتباط با ایران متهم می‌کند، در حالی که شیعیان قبل از این تاریخ نیز در عربستان می‌زیستند (Meijer & Aarts, 2012: 21-22).

شیعیان عربستان در استان‌های شرقی در حیاتی‌ترین منطقه راهبردی این پادشاهی سکونت دارند، منطقه‌ای که بیشترین میدان‌های نفتی از جمله غوار و قطیف به‌عنوان بزرگ‌ترین حوزه‌های نفتی جهان را در خود جای داده است. دوم اینکه از دید امنیت بین‌المللی شیعیان نقش مهمی در ثبات اقتصادی و سیاسی کشور دارند. سوم اینکه شیعیان عربستان هم‌مرز با شیعیان ایران، عراق و بحرین هستند و در نهایت اینکه شیعیان بزرگ‌ترین رکن مخالفت در پادشاهی سعود را تشکیل می‌دهند (AL-Rashed, 2007).

کانون جهان اسلام: عربستان از هر دیدگاه کانون همه جهان اسلام است. جایگاه خیزش اسلام است. حرمین شریفین و مسجد پیامبر در آنجا قرار دارد و قبله مسلمانان آنجاست (karimipour, 2015: 177). برخاستن دین اسلام از شبه جزیره عربستان و قراردادستن بیت‌الله الحرام در مکه و آرامگاه حضرت محمد در شهر مدینه این کشور را از نظر تاریخی در موقعیتی قرار داده است که در نظر بسیاری از مسلمانان جهان به‌ویژه مسلمانان خارج از منطقه خلیج فارس، جلوه‌گاه اسلام است. حکام سعودی ضمن اینکه سالانه مبالغ هنگفتی از این بابت به دست می‌آورند، نقش میزبان مسلمانان و نگهبانان حرمین شریفین را نیز دارند، از این راه

برای حاکمیت خود اعتبار و امتیاز به دست می‌آوردند و از جایگاه بین‌المللی مناسبی برخوردار می‌شوند (91: ezzati, 2012).

رادیکالیسم: یکی دیگر از چالش‌های اساسی که به‌وضوح در ساختار سیاسی عربستان سعودی دیده می‌شود مسئله تحرک جدید جریان‌های اسلامی رادیکال و بنیادگرا در این کشور است. هر چند تشدید فعالیت‌های بنیادگرایی در این کشور از سال ۱۹۶۴ آغاز شد و سازمان‌هایی نیز برای توسعه این فعالیت‌ها تأسیس شدند، این سازمان‌ها برای رسیدن به اهدافشان تلاش کردند تا شاخه‌های محلی خود را برای گسترش اقدامات سیاسی و مذهبی تأسیس کنند (Hegghamer & Lacroix, 2007: 105). امروزه رشد بنیادگرایی در این کشور سبب شده است که دولت سعودی با چالش تشدید ظهور جریان‌های افراطی مواجه شود تا آنجا که کنترل این جریان‌ها برای حکومت سعودی به چالش اساسی تبدیل شده است (218-219: koohkan & nezakati, 2014). بنیادگرایی اسلامی به‌شکل تازه آن اصطلاحی است که جان فاستر دالس، وزیر امور خارجه آمریکا در پی شکست دولت‌های بریتانیا و فرانسه در بحران کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ به کار برد که گویای پیدایش گونه‌ای نگرانی در میان کشورهای غربی بود (30: Beverley, 2005).

بازیگر بزرگ نفت: عربستان رکورددار بزرگ‌ترین ذخایر شناخته‌شده نفت جهان است. بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده نفت خام به بازارهای جهانی است که در عمل هدایت اوپک را یدک می‌کشد، بنابراین تصمیم‌سازیش برای اقتصاد جهان و منطقه راهبردی و بی‌همتا است (177: karimipour, 2015). عربستان به‌دلیل داشتن بزرگ‌ترین ذخایر نفت جهان و ثروت فراوان ناشی از تولید و صدور آن توانسته است نفوذ سیاسی در جهان اسلام غیر منطبق با قابلیت‌های جمعیتی، اقتصادی، علمی و پیشینه فرهنگی و تاریخی خود به دست آورد. عربستان سعودی بیش از ۲۶۰ میلیارد بشکه ذخایر اثبات‌شده نفت در اختیار دارد. روی هم‌رفته نزدیک به ۸۰ میدان نفت و گاز در عربستان وجود دارد. حوزه قوار بزرگ‌ترین حوزه خشکی و حوزه صفایه بزرگ‌ترین حوزه دریایی جهان به شمار می‌آید (81: hafeznia & rebiei, 2013). قدرت تولید نفت عربستان سعودی در سطح منطقه‌ای و جهانی به این کشور امکان داده که در قیمت‌گذاری نفت، تولید و مصرف آن نقش ویژه‌ای داشته باشد (2: Lustick, 2013).

سرزمینی گسترده با اختلافات مرزی: عربستان سعودی تقریباً با همه همسایگانش اختلافات مرزی و سرزمینی دارد. این عامل در شکل‌دهی به بینش ژئوپلیتیکی و تصورات حکام سعودی

از اهداف همسایگان تأثیرات منفی بر جای گذاشته است. طول مرزهای سعودی بیش از ۷۰۰۰ کیلومتر است. مرزهایی باز، گسترده و به دلیل تراکم نسبی جمعیت، اغلب خالی از جمعیت است. مهم‌ترین مسئله عربستان که نوعی چالش برای این کشور به حساب می‌آید، ناتوانی در مدیریت راهبردی مرزهایش با وجود قدرت نظامی بالایش است. بنابراین کنترل فضا، جمعیت و مرز برای این کشور با پهنای بیش از ۲ میلیون کیلومتر مربعی به سختی باورپذیر است (karimipour, 2015: 178).

تنگنای ژئوپلیتیک دسترسی: موقعیت ژئواستراتژیک عربستان سعودی در منطقه از یک سو و دسترسی به خلیج فارس و دریای سرخ از سوی دیگر، همچنین داشتن یک پنجم ذخایر نفت جهان همواره موقعیت ممتازی به عربستان داده است. قرارگرفتن عربستان در میان دو آبراه مهم جهان به این کشور موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی داده است، اما استفاده از هر دوی این آبراه‌ها مساوی با عبور از تنگه هرمز و باب‌المندب است که زیر نفوذ ایران و یمن قرار دارند (aghaei, 1989: 39). سعودی‌ها از این منظر که غول نفتی جهان و شریک تجاری و تأمین‌کننده اصلی نفت کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا هستند برای صادرات انرژی و تأمین امنیت مسیرهای انتقال انرژی وابستگی عمیقی به تنگه هرمز و باب‌المندب دارند، اما از آنجا که این دو مسیر در حوزه نفوذ ایران و یمن قرار دارند و قدرت کنترل و اختیار عربستان را محدود می‌کنند، این مهم همواره برای سعودی‌ها چالش و تنگنای ژئوپلیتیکی بوده است.

جدول ۱. مهم‌ترین کدهای ژئوپلیتیکی عربستان

منطقه‌ای	ملی (داخلی)
شکست ساختارهای ژئوپلیتیکی شیعه	بازتعریف جدید از میراث آل سعود با قرائت جدید
دیپلماسی تهاجمی سعودی	سازه سرزمینی ملی اعراب حجاز
کنش هویتی عربی در خاورمیانه عربی	سرکوب مخالفان داخلی
هژمونی طلبی در شامات و خلع ید ایران	سرکوب سیاسی و مذهبی شیعیان
تقابل با ایران و تفکر انقلابی و شیعی در بحرین و یمن	

ب) ژنوم‌های ژئوپلیتیکی ایران

ژئوپلیتیک شیعه: گراهام فولر می‌نویسد: ریاض امروزه جویای به‌تصویرکشیدن ایران به‌عنوان مرکز تهدید نوینی است که علیه پادشاهی عربی وجود دارد. نه به این دلیلی که فارس است، بلکه بالاتر از آن به‌دلیل اینکه شیعه است (fuller, 2011). شیعیان در کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و خاورمیانه از نظر جمعیت قابل توجه هستند (motaghi & abdollahpour, 2019: 189). ایران به‌عنوان قدرتمندترین کشور شیعه‌مذهب در خاورمیانه و یک قدرت منطقه‌ای نقش مهمی دارد. در عربستان سعودی سکونت شیعیان در شرق این کشور و حضور چشمگیر آن‌ها در صنعت نفت این کشور به‌عنوان عامل ژئوپلیتیکی و فرصت مطرح است و همان‌گونه که فرانسوا توال معتقد است تشیع در خاورمیانه به‌لحاظ جغرافیای مذهبی غلبه دارد. بنابراین شیعیان در خاورمیانه با توجه به گستره جغرافیایی و ژئوپلیتیکی که دارند به‌عنوان یک فرصت مطرح هستند.

نظام سیاسی جمهوری مبتنی بر فقه شیعی: براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ویژگی‌های زیر را می‌توان برای این نظام برشمرد: ۱. مکتبی و اسلامی بودن؛ ۲. بناشده بر اصل ولایت فقیه؛ ۳. مردم‌سالاری دینی: حکومت اسلامی در عین ایدئولوژیک بودن و برخورداری از عناصر سنتی در ساختار سیاسی خود، ویژگی دموکراتیک بودن را در بافت خود جای داده است (hafeznia, 2016: 286). نظام اسلامی و شیعی ایران دو کارکرد متفاوت داشته است: الف) رویکرد و نیز کارکردهای جمهوری اسلامی سبب دل‌گرمی بیشتر جوامع و کشورهای با اکثریت جمعیت شیعی در فضای نزدیک پیرامونی بوده است؛ ب) تقریباً برعکس این رویکرد در جهان سنی در حال شکل‌گیری است (karimipour, 2015: 84).

تکثر قومی و زبانی: تنوع فرهنگی و قومی از ویژگی‌های جامعه ایران است به‌نحوی که ایران از نظر ناهمگنی زبانی در شمارده کشور نخست دنیا و اولین کشور از این نظر در جهان اسلام شمرده می‌شود و بارها در طول حیات سیاسی خود شاهد اوج‌گرفتن تنش‌هایی با منشأ قومی بوده است. به این دلیل باید به‌دنبال شناسایی و طبقه‌بندی ظرفیت‌های مثبت و منفی این ژن و ارائه راهکارهایی در این زمینه بود (khalili & others, 2013: 105). از بررسی ساختار ملت ایران مشخص می‌شود که الگوی ملت در ایران ترکیبی و ناهم‌وزن است، بیشتر ملت ایران فارس و شیعه هستند که در بخش مرکزی فضای جغرافیای ایران استقرار یافته‌اند. در ترکیب دینی ملت نیز

۹۹/۵ درصدی به مسلمانان اختصاص دارد و بقیه با نسبت ناچیز پیروان ادیان دیگر هستند.

موقعیت ژئوپلیتیک ایران: کشور ایران به دلایل مختلف موقعیت و اهمیت راهبردی دارد: ۱. داشتن معادن غنی نفت و گاز و فلزات مهم؛ ۲. قرارگرفتن در شمال خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان و در اختیار داشتن ۳۱ جزیره در دهانه تنگه و داخل خلیج فارس و برخورداری از امکان نظارت بر عبور و مرور کشتی‌ها؛ ۳. قرار داشتن ایران بین کشورهای شمالی و منطقه خلیج فارس و بین قاره‌های آسیا و اروپا و اینکه ایران مسیری کوتاه و امن برای ارتباط دادن بین این مناطق است (malakutian, 2004: 189). موقعیت ژئوپلیتیکی ایران با انزوگرایی سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند (khalili & others, 2011: 89-90). ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع واقع شده است که ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپلیتیک مهم دیگری چون ژئوپلیتیک انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی موقعیت بسیار حساسی را در خود می‌بیند (motaghi & abdollahpour, 2019: 188).

فرهنگ سیاسی ایران: فرهنگ سیاسی یکی از پشتوانه‌های ایدئولوژی گروه حاکم است. اگر ایدئولوژی گروه حاکم، همچنان نامساعد به توسعه سیاسی باقی بماند، افزایش تقاضای مشارکت به تنش و ازمگسیختگی سیاسی می‌انجامد. فرهنگ سیاسی در ایران به علت‌های پیچیده، برتری فرهنگ تابعیت در مقابل فرهنگ مشارکت بوده است و مجاری جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری روی هم رفته این‌گونه فرهنگ را تقویت می‌کرده‌اند (bashirie, 2010: 157). نتیجه برخی مطالعات نشان می‌دهد که ایرانی‌ها در معاشرت با یکدیگر مشکل دارند و به سرعت به سوی تنش، بدبینی و اختلاف پیش می‌روند (sariolghalam, 2007: 170).

جدول ۲. مهم‌ترین کدهای ژئوپلیتیکی ایران

منطقه‌ای	ملی (داخلی)
حمایت از شیعیان و توسعه قلمروی ژئوپلیتیک شیعه	ارزش‌های انقلابی و شیعی
دیپلماسی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی	حکومت مذهبی مبتنی بر فقه شیعی
شکست تهدید سلفیسم برای خود و متحدان نزدیک	حفظ یکپارچگی ملی
سیادت و هژمونی منطقه‌ای	توسعه اقتصادی و اجتماعی
تحدید حوزه ژئوپلیتیکی عربستان	

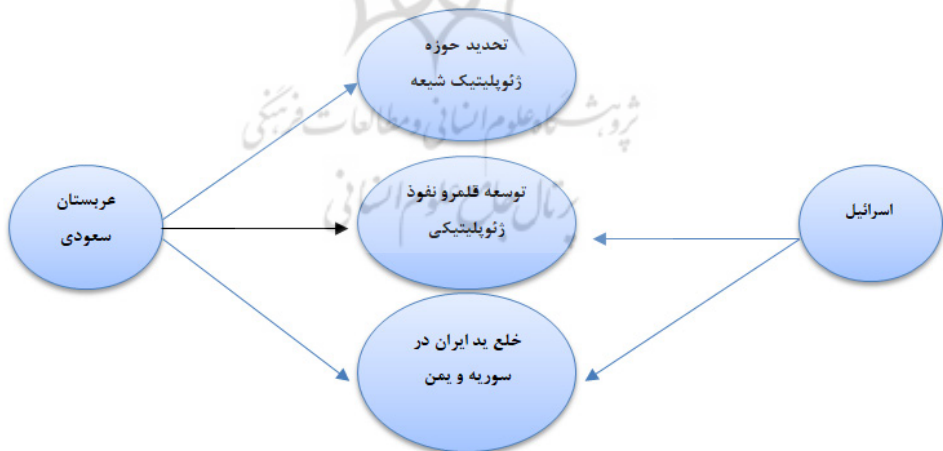
پ) اثرگذاری قدرت‌های فرامنطقه‌ای (ایالات متحده و اسرائیل) بر کدهای ژئوپلیتیکی عربستان سعودی

کشور عربستان پس از استقلال همواره یکی از کشورهای مورد حمایت بلوک غرب بوده است (ashti, 2012: 11). با برهم خوردن توازن قوا در منطقه خلیج فارس پس از انقلاب اسلامی ایران، آمریکا برای حفظ امنیت منطقه در جهت منافع خود، نیروهای نظامی عربستان را تقویت کرد تا امکان جانشینی ژاندارم منطقه را فراهم کند (arasteh, 2008: 36). در این وضعیت روابط سیاسی و نظامی آمریکا و عربستان سعودی بیشتر گسترش یافت و آمریکا به فروش تسلیحات، ساخت پایگاه‌های هوایی و عقد قراردادهای نظامی و امنیتی دوجانبه با سعودی‌ها پرداخت (motaghi & abdolahpour, 2019: 222). هم اکنون نیز ایالات متحده به دلیل ایجاد ائتلاف بر ضد جمهوری اسلامی ایران و جلوگیری از گسترش نفوذ ایران در عراق، لبنان و فلسطین، حوزه‌های منافع زیادی برای همکاری با عربستان ایجاد کرده است.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و نپذیرفتن موجودیت اسرائیل و حمایت از آرمان‌های فلسطین، از ابتدای دهه ۱۹۹۰ ایران مهم‌ترین تهدید امنیتی اسرائیل شناخته شده است و راهبردهای جدیدی برای مقابله با آن تدوین شد. در این میان اتحاد پیرامونی جدید یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست خارجی اسرائیل در قبال ایران بود. بر این اساس رهنامه پیرامونی بر مبنای دشمنی اسرائیل با ایران، به جای اعراب تعریف شده و مکان جغرافیایی پیرامون راهبرد امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل از حاشیه دولت‌های عربی به مناطق هم‌جوار ایران تغییر یافت (ghaderi & others, 2020: 32). آمریکا تلاش می‌کند با کاهش نیروهای نظامی و هزینه‌های خود در خاورمیانه به تغییر موضع از غرب به شرق آسیا با استفاده از ظرفیت‌های اسرائیل و کشورهای عربی با ایجاد موازنه قوا در برابر ایران نگرانی امنیتی کشورهای یادشده، خلأ عدم حضور آمریکا را تا حدودی کاهش دهد. در این شرایط ایالات متحده برای مدیریت امور منطقه با توجه به تغییر رهنامه خود برای حضور در شرق آسیا، برای مدیریت امور منطقه در قالب تفاهمی میان اعراب و اسرائیل می‌کوشد که در اوت ۲۰۲۰ منعقد و با عنوان پیمان ابراهیم تولد یافت.

برای اسرائیل، ایران به دلیل حمایت از حزب الله در لبنان و حماس در فلسطین تهدید محسوب می‌شود (Aziz, 2018: 25). اسرائیل موفق شده است ایران را به تهدید نخست برای برخی از

کشورهای عربی تبدیل کند و با تبلیغات، ایده ایران هراسی خود را در منطقه با عادی سازی روابط با کشورهایمانند امارات و بحرین و روابط پشت پرده با عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی عملیاتی کند (abbasi & hamidfar, 2020: 15). عربستان و اسرائیل نقش و عملکرد ایران در خاورمیانه را تهدید علیه منافع خود می دانند. در همین زمینه، گفت وگوهای مخفی و دیپلماسی پنهانی میان این دو رژیم برای همکاری در جهت حمایت از منافع مشترک خود در منطقه وجود داشته است. در نوامبر ۲۰۱۷ وزیر انرژی اسرائیل اعلام کرد که ما تا حدودی با بسیاری از کشورهای مسلمان و عربی روابط پنهانی داریم؛ با عربستان سعودی یا دیگر کشورهای. ژنرال آیزنکوت رئیس ستاد کل نیروهای نظامی اسرائیل ضمن اهمیت روابط این رژیم با سعودی ها گفته است: ایران بزرگ ترین تهدید منطقه است که به دنبال ایجاد هلال شیعی از لبنان به ایران و سپس به خلیج فارس تا دریای سرخ است (aziz, 2018: 23-24). بر این مبنا می توان گفت محور ایالات متحده، سعودی و اسرائیل که از نفوذ و قدرت ایران دچار نگرانی هستند، برای مقابله با توان هسته ای ایران، مهار جبهه مقاومت و تغییر توازن منطقه ای به ضرر ایران و به سود این محور، هم نظر هستند. تلاش برای مهار ایران توسط ائتلاف سعودی و اسرائیلی منجر به تدوین کدهای ژئوپلیتیکی عمدتاً متجانسی شده است که می توان به شکل زیر ترسیم کرد.



نمودار ۲. کدهای همسان ژئوپلیتیکی اسرائیل و عربستان در تقابل با ایران source: authors

۶. تحلیل مهم‌ترین فضاهاى درگیرى میان ایران و عربستان سعودى و نقش ژنوم‌هاى ژئوپلیتیکی واحدهاى سیاسى نامبرده در تعمیق این منازعات:

الف) سوریه: جمهوری عربی سوریه در جنوب غربی آسیا و ساحل شرقی مدیترانه واقع شده است، جمعیت سوریه پیش از آغاز بحران فراگیر ملی ۲۲ میلیون نفر بوده که ۷۴ درصد آنان اهل تسنن، ۱۳ درصد شیعه علوی و ۱۰ درصد مسیحی بوده‌اند. حکومت سوریه در دست علویان این کشور قرار دارد که خود را شیعه می‌نامند، اما عقاید آنان با شیعیان دوازده امامی تفاوت‌های معناداری دارد. سوریه به واسطه برخورداری از عواملی مورد توجه ایران و عربستان واقع شده است. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ۱. سوریه به‌عنوان مهم‌ترین متحد عرب زبان برای ایران نقش دارد و خود را در محور مقاومت تعریف می‌کند؛ ۲. سوریه در دهه‌های اخیر توسط علویان اداره می‌شود که خود را شیعه می‌دانند؛ ۳. ایران و سوریه دشمنان مشترک اسرائیل شناخته می‌شوند؛ ۴. عربستان با مدل حکومتی سلطنتی سوریه که خود را یک جمهوری مبتنی بر آرای مردم می‌داند، به‌عنوان منبع تهدید می‌داند؛ ۵. به‌واسطه اکثریت جمعیتی سنی مذهب در سوریه ظرفیت تبلیغ و گرایش به وهابیت در این فضا برای عربستان فراهم است (ahmadi, 2022: 76-77).

عربستان سوریه را به دید رقابت‌های منطقه‌ای با ایران می‌بیند. بر همین اساس در مقابل نظام اسد گام برمی‌دارد. کاهش نفوذ ایران در منطقه یا مهارکردن الگوی نفوذ انقلاب اسلامی در دنیای عرب هدف اصلی عربستان از تقابل با ایران در محور سوریه است. عربستان دامنه این تهدید را بعد از بهار عربی گسترده‌تر دید و نزدیکی گروه‌های مقاومت و به‌ویژه سوریه به ایران را به‌منزله برهم‌خوردن تعادل منطقه‌ای و به‌حاشیه‌رفتن سیاست‌های سعودی می‌داند. موقعیت و ویژگی‌های جغرافیایی سوریه برای این کشور ایجاد نقش و جایگاهی ژئوپلیتیکی می‌کند، زیرا سوریه در منطقه راهبردی خاورمیانه قرار دارد، با شرق مدیترانه و سرزمین‌های اشغالی هم‌مرز است و به‌عنوان ستون محور مقاومت و اتصال‌دهنده ایران به لبنان و فلسطین عمل می‌کند. همچنین نقش بندرهای مهم سوریه مانند طرطوس در صادرات انرژی به اروپا اهمیت دارد (ahmadi, 2022: 82).

سوریه به‌عنوان مهم‌ترین متحد ایران در منطقه، جایگاه خاصی در سیاست خارجی ایران دارد. دو کشور همکاری راهبردی مهمی را تجربه کرده‌اند، مخالفت با حضور و نفوذ غرب در منطقه، کاربست رویکرد ضداسرائیلی و حمایت از گروه‌های مقاومت در لبنان و فلسطین مهم‌ترین

مؤلفه‌های مشترک سیاست منطقه‌ای ایران و سوریه به شمار می‌رود و دو کشور را به‌عنوان رکن اصلی محور مقاومت مطرح می‌کند (Jafari Valdani & Nejat, 2013: 173). در بحران سوریه ایالات متحده و عربستان، اسرائیل و ترکیه در پی افزایش فشار بر ایران و آسیب‌پذیری آن، سرنگون کردن دولت سوریه برای محدود کردن نفوذ ایران و حل مشکلات امنیتی ناشی از نفوذ ایران در عراق هستند (Hamet, 2017: 123). عربستان برای مهار نفوذ ایران در خاورمیانه، در سوریه به‌واسطه افراط‌گرایان سنی عمل می‌کند. از دید دولت‌های مخالف، در حال حاضر تحولی در جهت افزایش قدرت ایران و نقش شیعیان در منطقه خاورمیانه شکل گرفته و ایران تلاش می‌کند با بهره‌گرفتن از هلال شیعی بر قدرت خود در منطقه بیفزاید و آن را علیه منافع کشورهای سنی مذهب و نیز منافع منطقه‌ای آمریکا و اسرائیل به‌کار گیرد. از این‌رو برای مهار نیروهای شیعه، تنها راه، ایجاد نیروی ضد شیعه آن‌هم به‌گونه‌ای افراطی است. بر این اساس غربی‌ها و رقبای منطقه‌ای ایران در شکل‌گیری و گسترش قدرت نیروهای سلفی و تکفیری در مناطق شیعه‌نشین سوریه اهتمام جدی کردند (heidari, 2019: 37).

از سویی تغییر حاکمیت در سوریه با توجه به معادلات سنتی در منطقه برای آمریکا فوریت بیشتری دارد تا به این وسیله جایگاه قدرت‌های رقیب در محیط امنیتی مدیترانه، تغییر موازنه محدود به‌نفع اسرائیل، کاهش پاسخ راهبردی کشورهای منطقه در صورت بروز درگیری راهبردی در منطقه، اجبار ایران به تغییر یارگیری منطقه‌ای و تولید یک شیب جدید در مدیریت جنگ‌های نامنظم و نامتقارن و از هم‌گسستن محور مقاومت و پیوستگی ژئوپلیتیکی میان ایران، سوریه و عراق اهداف کلان خود را دنبال کند (Sadeghi, 2017: 274-275). یکی از دلایل عربستان برای مداخله در کشورهای منطقه، ارائه الگوی نظم جانشین در منطقه با اندیشه سلفی‌گری است. موضوعی که نتیجه تقابل ایدئولوژیک است. بر این مبنا عربستان با نشان دادن تقابل شیعه و سنی حمایت خود را از مخالفان دولت سوریه در منطقه و در نتیجه، کاهش نفوذ ایران بیان می‌کند (Karami, 2013: 14). بر این مبنا می‌توان گفت سوریه به‌واسطه برخورداری از نظام حکومتی مبتنی بر جمهوریت، قرارگرفتن در محور مقاومت و حکومتی علوی تبار در تضاد با ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیکی عربستان و برعکس در همگرایی با ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیکی ایران است.

ب) یمن: یمن کشوری در جنوب غربی آسیاست که با نگاهی اجمالی و گذرا به ترسیمات جغرافیایی می‌توان به موقعیت ژئواستراتژیک آن در منطقه پی برد. در جنوب غربی یمن و در

دهانه دریای سرخ، آبراه باب المندب قرار دارد. این حیاتی گذر انرژی از خلیج فارس به آمریکا و اروپا را امکان پذیر کرده و باعث قرارگرفتن یمن در مسیر تجارت آبراه بین المللی و مرکز ثقل مبادلات انرژی شده است. کشوری با جمعیت بالغ بر ۲۲ میلیون نفر که حدود ۴۰ درصد آن را شیعیان و ۵۵ درصد را اهل سنت تشکیل می دهند (fawzi, 2012: 19).

ارنست گلنر و رابرت موتاگن یمن را جامعه قطعه قطعه می نامند که در آن قبایل قدرتمند و دولت مرکزی بسیار ضعیف هستند. (Moghavemi & others, 2023: 164) عربستان سعودی با نگاه توسعه ایدئولوژی وهابیت در آن و همچنین به دلیل مرز طولانی ۱۸۰۰ کیلومتری با این کشور از گذشته تلاش کرده است با ایفای نقش برادر بزرگتر برای یمن در پی حفظ و توسعه نفوذ سنتی خود در این کشور باشد و از بازار مصرف و نیروی کار ارزان آن استفاده کند (nejat, 2016: 147). رقابت ایران و عربستان سعودی به ویژه در پی حوادث موسوم به بیداری اسلامی که در یمن نیز فرصت بروز پیدا کرد وارد مرحله پیچیده ای شد. عربستان که همواره حفظ حکومت هم سو با خود در یمن، جزئی از علائق ژئوپلیتیکی و خواسته های امنیتی اش بود از قدرت گیری شیعیان هم سو با ایران بیم داشته است. از سوی دیگر، ایران در ادامه گسترش نفوذ خود در منطقه به وسیله تلاش برای نقش آفرینی گسترده گروه های شیعی کوشیده است ضمن تحقق بخشیدن به این هدف برای رقبای خود به ویژه سعودی ها چالش آفرینی کند (romina & others, 2023: 1).

مهم ترین ویژگی های یمن برای ایران و عربستان عبارت اند از: الف) اهمیت و نقش راهبردی یمن؛ ب) نقش یمن در امنیت صدور انرژی و کشتی های تجاری؛ ج) همسایگی با عربستان و نقش آن در امنیت کشور سعودی؛ د) نقش آفرینی حوثی های حامی ایران در سال های اخیر؛ ه) خلأ قدرت ناشی از سقوط دولت مرکزی؛ و) حملات نظامی گروه های شیعی مسلح یمنی به خاک عربستان؛ ز) حضور گسترده یمنی تبارها در بدنه ارتش عربستان (ahmadi, 2022: 109). خیرگزاری رویترز در گزارشی ضمن برشمردن اشتراک های حوثی ها و حزب الله می نویسد: اکنون یمن به مانند عراق و سوریه و لبنان قلب پیکار برای تأثیرگذاری منطقه ای بین ایران و عربستان شده است.

منافع عربستان در یمن از دو بعد ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک قابل بررسی است. امنیت تنگه باب المندب برای تمامی کشورهای ساحلی دریای سرخ از نظر ترانزیت نفت، کالا و تسلیحات اهمیت اساسی دارد (salisbouri, 2015: 2). آمریکا و خاندان سعودی عربستان کنترل بر تنگه باب المندب و خلیج عدن را در صورت رویارویی با ایران که می تواند تنگه هرمز را بر

محموله‌های نفتی و کشتیرانی بین‌المللی مسدود کند به لحاظ راهبردی با اهمیت می‌دانند (nazem al-raaya, 2015: 4). قدرت‌گرفتن حوثی‌ها در یمن، عربستان را در محاصره کمر بند شیعی و تنگنای ژئوپلیتیک قرار می‌دهد و توان، ظرفیت و اهرم‌های اعمال فشار ایران بر عربستان و متحدان منطقه‌ای آن کشور را افزایش خواهد داد (haq shenas, 2014: 2). در نتیجه سعودی‌ها بیم دارند که نفوذ ایران در حیط خلویشان با قدرت‌گرفتن حوثی‌ها تثبیت شود که این مهم در صورت وقوع، باعث ناآرامی داخلی در عربستان شده و شیعیان این کشور را وارد جنب و جوش خواهد کرد. از سویی بحران یمن نیز به واسطه اثرگذاری منطقه‌ای خود زمینه را برای مداخله سایر قدرت‌های مداخله‌گر که کدهای ژئوپلیتیکی آنان هم‌سو با عربستان سعودی و را در تقابل با ایران است نیز فراهم کرد.

اسرائیل با هدف تضعیف محور مقاومت، با هماهنگی ایالات متحده در جنگ عربستان علیه یمن به آل سعود یاری می‌رساند. همکاری اسرائیل با آل سعود در قالب مشارکت جنگنده‌ها و خلبانان اسرائیلی و سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی انجام می‌شود. اسرائیل از هم‌سویی با سعودی‌ها در بحران یمن و دخالت و کمک به عربستان اهدافی دارد مانند مشارکت با ائتلاف عربی علیه یمن برای تسریع در پیمان صلح ابراهیم و تلاش برای محدود کردن حوزه نفوذ و قلمروی ژئوپلیتیکی ایران که هم‌خوان با کدهای به‌کارگرفته شده سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران است. در این مورد نیز همچون بحران سوریه و هم‌سویی سیاست‌های به‌کارگرفته شده عربستان و اسرائیل در برخورد با حکومت سوریه، آشکار می‌شود که تل‌آویو در یک همگرایی تاکتیکی با ریاض و با کاربست کدهای همسان در مورد یمن، اهداف ژئوپلیتیکی خود را تعریف کرده است.

در تحلیل حمله عربستان، مؤلفه‌های هویت و موقعیت ژئوپلیتیک نقش برجسته‌ای دارند، به‌گونه‌ای که آنچه یمن را به سوی آغاز جنگ داخلی سوق داد، رقابت عربستان سعودی سنی مذهب با ایران شیعه مذهب در منطقه است (firooz kalaei, 2015: 177). از آنجا که تحولات سیاسی یمن و تقیای شیعیان برای سهم‌شدن در قدرت سیاسی با ژنوم‌های اصلی حکومت آل سعود که استبداد، سرکوب شیعیان، نقض آزادی بیان و حفاظت از تمامیت ارضی خود از ویژگی‌های آن است در تضاد قرار می‌گیرد؛ سعودی‌ها به دنبال از میان برداشتن این تهدید و حفظ امنیت حوزه پیرامونی و داخلی خود هستند. تقابل ژنوم‌های ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی ایران و عربستان سعودی در تکوین درگیری دو کشور در یمن نیز مشهود است.

پ) بحرین: در کشوری که کمتر از هزار کیلومتر مربع وسعت و حدود یک میلیون نفر جمعیت دارد، اکثریت شیعه هستند. با این حال قدرت واقعی در دست امیر و خانواده اش است که سنی مذهب هستند. این مسئله در بلندمدت شکاف‌های عمیقی میان خواسته‌های مردم و گروه حاکم ایجاد کرده است. درصد شیعیان بحرین حدود ۶۵ - ۷۵ درصد کل جمعیت این کشور است. بحرین از نظر ژئوپلیتیکی ویژگی‌هایی دارد که برای ایران و پادشاهی سعودی مهم جلوه می‌کند از جمله:

الف) نقش ژئواستراتژیک به‌واسطه موقعیت جزیره‌ای بحرین در خلیج فارس؛

ب) آل خلیفه و آل سعود ریشه مشترک نژادی دارند؛

ج) بحرین در گذشته، جزئی از ایران بوده و جمعیت آن با ایرانیان اشتراکات نژادی و مذهبی دارد؛

د) مجاورت جغرافیایی با ایران و عربستان؛

ه) حضور ناوگان پنجم ایالات متحده در بحرین؛

و) مجاورت بحرین با قسمت شرقی و شیعه‌نشین عربستان سعودی؛

ز) بحرین حلقه وصل‌کننده عربستان به تنگه هرمز و اقیانوس هند است (ahmadi, 2022: 122).

سقوط رژیم آل خلیفه در بحرین شکست سنگینی برای عربستان سعودی و به معنی از دست دادن یکی از متحدان با سابقه عربستان است. همان‌گونه که بنابر رهنامه امنیت ملی ملک عبدالله پادشاه وقت عربستان، امنیت ملی عربستان و بحرین را تقسیم‌ناپذیر دانسته و دو کشور را یک روح در دو جسم می‌داند (Titelbaum, 2011: 2). سعودی‌ها در تنش‌های مذهبی بحرین، نگران خیزش شیعیان در منطقه خلیج فارس هستند (brzezinski, 2007: 76). رهبران عربی اعتقاد دارند که ایران با اعمال نفوذ بر شیعیان بحرینی آنان را علیه آل خلیفه شورانده تا ضمن ایجاد شکاف در شورای همکاری خلیج فارس به مرزهای شرقی و شیعه‌نشین عربستان نزدیک شود و چالش‌آفرینی کند. در مقابل عربستان حمایت از آل خلیفه را از اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی خود می‌داند و از سرایت مبارزات شیعیان بحرین به قطیف و احساء نگران است. این همان موضوعی است که کیسینجر به آن اشاره کرده و می‌گوید: منبع خطر انقلاب بحرین، ویژگی خاموش‌نشدنی بودن آن است و خطر انتقال آن به عربستان بسیار نزدیک است (khezri

191: 2015, & others). از سوی، عربستان سعودی بحرین را حیاط خلوت و منطقه نفوذ خود می‌داند و بر این اساس، خواستار حاکمیت آل خلیفه در این کشور است و هیچ‌گونه تغییر و تحولات سیاسی را در آن نمی‌پذیرد.

نکته مهم دیگر این است که سعودی‌ها اصلی‌ترین نقش را در تأمین امنیت رژیم آل خلیفه دارند و در مواردی مانند اعتراضات و بحران‌های داخلی از این رژیم حمایت کرده‌اند (asadi & zare, 2011: 186). بحرین به‌دلایلی برای ایران اهمیت فراوان دارد. مسئله مهم و تأثیرگذار در مورد نوع رویکرد ایران در قبال تحولات بحرین، پیوند مذهبی ایران با شیعیان بحرین است که بیشتر جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. منافع و سیاست منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس و رقابت‌های آن با عربستان سعودی نیز مؤلفه‌ای به‌شمار می‌رود و به‌ویژه تهران تحول دموکراتیک در منامه را باعث شکل‌گیری نوعی نظام سیاسی در بحرین می‌داند که می‌تواند روابط مناسب‌تری را با آن ایجاد کند (fathi & others, 2018: 147). از آنجا که وهابیت، سیستم سیاسی شکننده، اقلیت مذهبی شیعه و تنگنای ژئوپلیتیکی جزئی انکارناپذیر از ژنوم‌های تأثیرگذار عربستان هستند، بحرین می‌تواند پاشنه آشیل اصلی برای عربستان باشد، زیرا توسعه نفوذ ایران در این کشور و تغییرات اساسی سیاسی در نظام حکومتی بحرین ضمن سرایت اعتراضات به ناحیه شرقی شیعه‌نشین عربستان، زمینه را برای فروپاشی نظام سیاسی دارای ضعف هویتی و با مشروعیت ضعیف آل سعود را فراهم آورده و عربستان را از منظر ژئوپلیتیک در تنگنا قرار می‌دهد. ایران نیز هدف از مداخله در بحرین را در توسعه حوزه نفوذ خود، گسترش قلمروی ژئوپلیتیک شیعه و چالش‌آفرینی برای عربستان در جهت برتری منطقه‌ای می‌داند که در جهت فعال کردن ژنوم‌های قدرت‌زای خود و به‌کارگرفتن کدهای ژئوپلیتیکی هم‌سو با آن است.

۶. نتیجه

ژنوم ژئوپلیتیکی عناصر جغرافیایی انسانی و طبیعی مختص و متمایز مربوط به یک واحد سیاسی (کشور) هستند که در شکل‌دادن به سیاست داخلی و خارجی آن کشور نقش اصلی را بر عهده دارند. این ژنوم‌ها می‌توانند هم‌زمان هم مولد و هم از میان‌برنده قدرت ملی باشند. نتایج بررسی این ژنوم‌های و تأثیر آن بر سیاست خارجی ایران و عربستان سعودی نشان می‌دهند که ژنوم‌های ژئوپلیتیکی گوناگون دو کشور که بیشتر در حوزه ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک معنا پیدا می‌کنند بر روابط این دو کشور سایه افکنده‌اند. این ژنوم‌ها و کدهای ژئوپلیتیکی حاصل از

آن‌ها که دستورکار سیاست خارجی آن‌ها هستند سبب شکل‌گیری تفاوت در مواضع اعلامی و اعمالی دو کنشگر مهم منطقه شده‌اند. هر دو واحد سیاسی با به‌کارگرفتن ژنوم‌های قدرت‌زای خود و ایجاد محدودیت برای ژنوم‌های قدرت‌زدا برای پیشی گرفتن از رقیب و دستیابی به برتری منطقه‌ای تلاش می‌کنند. رقابت هم‌زمان با درگیری آنان که محصول علانق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی برخاسته از ژنوم‌های متفاوت آنان است، عرصه کنش‌های ستیزه‌جویانه طرفین را به سراسر منطقه گسترش داده است. این درگیری‌ها ابعاد ژئوپلیتیکی گوناگونی همچون قلمروسازی و نفوذ ژئوپلیتیکی در سطح منطقه، مواضع ژئوپلیتیکی متعارض و متفاوت و نگرش (تلقی) سیاسی و ایدئولوژیک متعارض را شامل می‌شود.

قدرت‌های فرامنطقه‌ای همچون اسرائیل و ایالات متحده نیز با کاربست کدهایی هم‌سو با عربستان در مواجهه با ایران وارد درگیری‌های منطقه‌ای از جمله در سوریه، یمن و بحرین شده‌اند و نقش‌آفرینی می‌کنند. بر این مبنا می‌توان گفت فرضیه پژوهش در مورد تأثیر ژنوم‌های دو کشور در تعمیق درگیری‌های این دو واحد سیاسی در سطح منطقه‌ای تأیید می‌شود؛ بدین صورت که ژنوم‌های متفاوت دو کشور در دو حوزه ژئوپلیتیک و ایدئولوژی، همچون وهابیت در مقابل تشیع، نظام سیاسی محافظه‌کار سعودی در مقابل نظام سیاسی انقلابی و تهاجمی ایران و رادیکالیسم و تندروی سعودی‌ها در مقابل تکثرگرایی حاکم بر ایران در جهان‌بینی و کاربست کدهای ژئوپلیتیک دو کشور مؤثر و تأثیر خود را در قالب رقابت‌های دو کشور در سطح منطقه بروز داده است. سوریه، یمن و بحرین به واسطه ساختارهای سیاسی، موقعیت ژئوپلیتیکی، باقت ترکیبی جمعیتی و نقش آنان در رقابت‌های منطقه‌ای، مرکز درگیری‌های میان دو کشور ایران و عربستان هستند. مجموعه ویژگی‌های جغرافیایی و انسانی این سه کشور که برخی در همگرایی با ژنوم‌های سعودی و ایران هستند، تلاش برای نقش‌آفرینی در این فضاها را تقویت کرده است، از آن جمله موقعیت دو کشور یمن و سوریه در محور مقاومت، مجاورت جغرافیایی یمن با عربستان سعودی، گسترش فعالیت‌های حوثی‌های هم‌سو با ایران یا نقش راهبردی بحرین از منظر حلقه اتصال عربستان به تنگه هرمز، همسایگی با مناطق شرقی شیعه‌نشین سعودی، اشتراک مذهبی با ایران و پیوند تاریخی هویتی نظام سیاسی بحرین با آل سعود، فاکتورهای عنوان شده که برخی در جهت علانق عربستان و برخی هم‌سو با علانق ایران هستند منجر به کاربست کدهای ژئوپلیتیکی تقابلی در جهت عقب‌راندن حریف در این فضاها و استحکام‌بخشیدن به تثبیت جایگاه خود در درگیری بیان شده است.

References

- Ahmadi, farzad (2022). Investigation and analyzing conflict spaces between iran and saudi arabia, masters thesis of tarbiat modares university, with the guidance of dr.ibrahim romina. [in persian]
- Ahmadian, hasan (2012). Religion and government in saudi arabia: from wahhabi government to government wahhabism, a collection of middle eastern book articles, tehran: abrar moaser publications. [in persian]
- Aghaei, seyed davood (1368). Politics and government in saudi arabia, tehran: siasi book publications.[in persian]
- Asadi, ali akbar and mohammad zare (2011). Bahrain crisis: conflict and regional approaches, policy guide quarterly, NO 2. [in persian]
- Beverley, M.E (2005). Islamic fundamentalism since 1945, new york, routledge.
- Britanica (2012). Online, S.V.Wahhabi, available at: www.britanica.com
- Brzezinski, zbignew (2007). Choice: dominance or leadership, tehran: ney publications. [in persian]
- Ezzati, ezzatullah (2010). Shia geopolitics and the security of irans borders, tehran: alborz danesh publications. [in persian]
- Fathi, mohammad javad. Abdkhodaei, mojtaba. Shiravand, sareh (2018). Linking code and geopolitical genes in foreign policy: a case study of the islamic republic of iran and saudi arabia, strategic policy research quarterly, 6th year. [in persian]
- Fawzi, yahya (2012). The causes of the formation and nature of political movements in the middle east: a study of the political movement in yemen, jahan islam quarterly, 1th year, No1. [in persian]
- Flint , C (2006). Introduction to geopolitics, by routledge.

- Fuller, G.E (2011). US should support arab spring, not saudi arabian dangerous reaction , the christian science monitor.
- Ghorbani nejad, ribaz. Hafeznia, mohammad reza. Ahmadi pour, zahra. Qavam, abdolali (2014). Examining the concept of conflict in theories of international relations and geopolitics, Strategy Quarterly, 23th year, No 70. [in persian].
- GHR (Genetic Home Reference) (2015). What is a Gene? 9 november 2015, available at: www.ghr.nih.gov.
- Goldberg, jacob. Rafiei, mohammad hossein (2010). Shiites the abandoned minority of saudi arabia, payam baharestan quarterly, 2th year, No 2. [in persian]
- Hafeznia, mohammad reza and hossein rabiei (2013). Persian gulf regional studies, samt publications. [in persian]
- Hafeznia, mohammadreza (2016). Political geography of iran, tehran: samt publications. [in persian]
- Hafeznia, mohammad reza and morad kaviani rad (2017). Philosophy of political geography, tehran. [in persian]
- Hegghammer , Thomas & Stephan Lacroix (2007). Rejectionist islamism in saudi arabia: the story of juhayman Al-utaybi revisited. International journal middle east studies. No 39. Pp 103-122.
- Jafari valdani, asghar and seyed ali nejat (2013). The role of regional powers in the syrian crisis, middle east studies quarterly, 20th year, 4th issue. [in persian]
- Karimipour, yadullah (2015). Geography first in the service of peace, tehran: entekhab publications. [in persian]
- Khalili Reza, Nasri, Qadeer, Askari Armandi, Mohammad (2023). The rivalry between Iran and Saudi Arabia and the evolution of the middle east security group. Fundamental and applied studies of the Islamic world, 5(3), 9-12.
- Khezri, ehsan. Safavi, seyed hamzeh. Parhizkar, amin (2015). Finding the roots of iran-saudi conflicts, a case study of three countries: iraq, bahrain and ye-

- men, international politic research quarterly, No 23.
- Khalili, mohsen. Heydari, jahangir. Yari, munir (2013). Geopolitical genomes of the persian gulf region, strategy quarterly, 22nd year, No 68.
- Khalili, mohsen. Heydari, jahangir. Sayadi, hadi (2013). The link between geopolitics and foreign policy a case study: iran and pakistan, subcontinental studies quarterly, 5th year, No 17.
- Koohkan, alireza. Nezakati, farkhondeh (2013). Public diplomacy in the foreign policy of saudi arabia, foreign policy quarterly, 6th year, No3. [in persian]
- Lustick ,I (2013). Saudi arabia and american oil: a geopolitical prespective, BDP Global leadership summit, philadelphia, U.S.A www.bdpinternational.
- Malakutian, mustafa (2004). Geography and politics, tehran: haghavaran publications. [in persian]
- Modawi AL-Rasheed, contesting the saudi state: islamic voices of a new generation , cambridge university press 2007.
- Moghavemi, Amirreza, Firouzkohi, Zoghi Barani, Kazem, Mehdi, Hassannia, Mohammad Ali (2023). Geopolitical interests of regional actors in the yemen crisis. Fundamental and applies studies of the Islamic world, 5(2), pp29-32.
- Motaghi, afshin. Abdullahpour, mohammad reza (2019). A new approach to the geopolitics of the middle east, tehran: iran geopolitical society publications. [in persian]
- Nazeefkar, ghazaleh. Nowrozi, hossein (2003). Strategic assessment of pakistan (territorial-political), tehran: abrar moaser publications. [in persian]
- Nejat, seyed ali. Mousavi, seyedeh razieh. Saremi, mohammadreza (2016). The strategies of saudi arabia and the islamic republic of iran regarding the .yemen crisis, international relations studies quarterly, 9th year, No 33
- Pishgahi fard, zahra and seyed rahmatullah mousavi far (2010). The interests of transregional powers in the geopolitical sphere of the caucasus, tehran: pub-

lications of the geographical organization of the armed forces. [in persian]

Qavam, abdulali (2010). Principles of foreign policy and international politics, tehran: samt publications. [in persian]

Rezvani far, ismail (2013). Saudi political-social challenges in the light of islamic awakening, journal of regional studies, NO1. [in persian]

Romina, ebrahim. Hafeznia, mohammadreza. Ahmadi davazdah emami, farzad (2023). Investigation and analysis of the conflicts between iran and saudi arabia (case study: yemen), political spatial planing quarterly, 5th year, No 1. [in persian].

Sadeghi, shamsuddin (2017). Coalition building in the international system, tehran: farzan publications. [in persian]

Sariolghalam, mahmood (2007). Irans political culture, tehran: institute of cultural and social studies. [in persian]

Shiravand, sareem and muhadeseh heydari (2016). Examining the relationship between genes and geopolitical code in saudi arabia foreign policy, 30th year, No 1. [in persian]

Taylor , PJ (1994). Political geography world economy, nation state and locality, Longman scientific & technical newyork.

Teitelbaum, J (2011). Saudi arabia, iran and america in the wake of the arab spring. Begin-sadat center for strategic studies. Retrived from www.alarabia.net.